

فضایل حضرت علی (ع) در قصیده لامیه ابن عباد

صادق سیاحی *

سعیده منصوری نیا**

چکیده

اسماعیل بن عباد، ملقب به صاحب، وزیر فرهیخته و شاعر برجسته ایرانی و عربی سرای قرن چهارم است. صاحب ادیب و سراینده‌ای متعهد و شیعی است، که در بسیاری از اشعار خود تعهد و پای‌بندی‌اش را به مذهب شیعه و دفاع از حقانیت اهل بیت علیهم‌السلام نمایان کرده است. وی شیفته اهل بیت، به‌ویژه حضرت علی (ع) است. یکی از قصاید مشهور و برجسته صاحب در مدح حضرت «قصیده لامیه» است. ابن عباد در این قصیده به بیان مناقب و فضایل آن حضرت، به‌نحوی بسیار شیوا و دلکش، پرداخته است. مدح صاحب از حضرت علی (ع) در این قصیده مدحی قلبی و برخاسته از عمق جان و اعتقاد اوست. در واقع این ابیات اقتباسی بسیار زیبا و روشن از آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) است. وی در این ابیات تصویری بسیار درخور از شخصیت حضرت علی (ع) ترسیم می‌کند، هرچند قلم بشر را توان آن نیست که تمام زوایای شخصیت آن گوهر هستی را به تصویر بکشد. در این مقاله برآن‌ایم به بررسی پاره‌ای از فضایل شخصیت حضرت علی (ع)، که صاحب بن عباد در این قصیده به آن اشاره کرده است، بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: حضرت علی (ع)، صاحب بن عباد، قرآن، حدیث، قصیده لامیه.

۱. مقدمه

آن‌گاه که اندیشه آدمی بال می‌گشاید و برگ زرین تاریخ بشری را ورق می‌زند با

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول) Dr.s.sayyahi@gmail.com

** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید چمران اهواز smansori1390@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۲۰

چهره‌هایی درخشان آشنا می‌شود که حقیقت عدالت و انسانیت را نیک شناختند و بر سر آن جان فشاندند. آنان مشعل‌های فروزان حیات انسانی‌اند که بر تاریکی ستم و بی‌خردی چیره شدند. حضرت علی (ع) یکی از این دلاوران و برجستگان تاریخ بشری است. شخصیت عظیم امیرالمؤمنین (ع) والا تر از آن است که بتوان به بررسی همه جوانب آن پرداخت. بعد از آن همه کتاب و رساله که در بیان بزرگی مقام علی (ع) انتشار یافته و بعد از آن همه شرح‌ها و تفاسیری که بر خطابه‌های مولا نوشته شده است، شرح حال، مقام، و عظمت علی (ع) کار آسانی نیست. بلندی مقام و بزرگی روح فرزند ابوطالب به حدی است، که به‌رغم تحقیق و تتبع فراوان نویسندگان عرب و عجم هنوز گوشه‌هایی ناگفته از زندگی و خلافت این مظهر عجایب وجود دارد که شایسته گفتن و نوشتن است. بحث درباره چنین مرد نامتناهی، که دریای بیکران علم و معرفت است، کاری است سهل و ممتنع؛ زیرا از طرفی در عالم اسلام و تشیع کیست که علی (ع) را نشناسد و از طرفی کیست که علی (ع) را آن‌گونه که هست شناخته و به کنه شخصیت و علو صفات وی پی برده باشد؟

علی (ع) از لحاظ عقیده، ایمان، خلوص، پاکی، تقوی، پرهیزگاری، علم و دانش، سماحت و بخشش، شجاعت و توانایی روحی و جسمی، عدالت و دادگری، عشق و علاقه به معنویت و سایر ارزش‌های انسانی در درجه‌ای قرار گرفته است که با مقیاس‌های عادی نمی‌توان او را شناخت و به شخصیت و فضایل اخلاقی و سجایای او دست یافت. شخصیت بارز وی به‌سان موجی است که در دل اقیانوس پدید آمده است. چه شخصیتی بالاتر از این که پس از چهارده قرن «شبلی شمیل» که فردی مادی است و با دین و مذاهب جهان بیگانه، درباره ایشان چنین می‌گوید:

الامام علی بن ابی طالب عظیم العظماء نسخه مفردة لم ير لها الشرق و لا الغرب صورة طبق الاصل لا قديما ولا حديثا: امام و پیشوای انسان‌ها، علی بن ابی‌طالب بزرگ بزرگان، یگانه نسخه‌ای است که با اصل خود پیامبر (ص) مطابق است. هرگز شرق و غرب، نسخه‌ای مطابق او را در حال و گذشته ندیده است (سبحانی، بی تا: ۶-۷).

همچنین شافعی، پیشوای مکتب شافعیان، درباره حضرت چنین گفته است: «اگر علی مرتضی خود را آن‌طور که بود، نشان می‌داد، مردم جهان همه در برابرش سر سجده به زمین می‌گذاشتند و شافعی می‌میرد، در حالی که نمی‌داند خدای او الله است یا علی؟» (ربیع، ۱۳۶۰: ۳۰). در طی تاریخ نویسندگان و شاعران بسیاری در آثار خود به بیان فضایل

حضرت علی (ع) پرداخته اند و در میان شاعران شیعه کم‌تر شاعری را می‌توان یافت، که درباره مولای متقیان شعری نسروده باشد. یکی از این شاعران عاشق و دل‌باخته علی (ع)، صاحب بن عباد است. در این مقاله نگارندگان می‌کوشند که به بررسی برخی از فضایل حضرت علی (ع) در قصیده لامیه صاحب پردازند و نیز به آیات و احادیثی که ابیات این قصیده اقتباسی بسیار زیبا از آن هاست، اشاره کنند. در یک مقاله مجال بحث درباره همه فضایل حضرت و توضیح و تشریح آن نمی‌گنجد، اما به قول شاعر:

آب دریا اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

۲. صاحب بن عباد

ابوالقاسم اسماعیل بن ابی‌الحسن، ملقب به صاحب بن عباد، در ۳۲۶ق در طالقان قزوین دیده به جهان گشود (امینی، ۱۳۷۱: ۴/ ۴۲). پدرش وزیر و کاتب دربار رکن‌الدوله دیلمی بود. اولین استاد صاحب، پدرش عباد بود. پس از فراگیری مقدمات به تحصیل فقه، حدیث، تفسیر، کلام، و دیگر علوم رایج پرداخت (بهمنیار، ۱۳۴۴: ۳۷). در وجه تسمیه او به صاحب دو نظر وجود دارد: نظر اول این است که به دلیل مصاحبتش با مؤیدالدوله به او لقب صاحب داده‌اند. نظر دوم مصاحبتش با استادش ابن‌عمید است، به طوری که در آغاز به او صاحب بن عمید می‌گفتند (عویضه، ۱۹۹۴: ۱۴). در کتاب *عیان‌الشیعة* آمده است که: «صاحب بن عباد یکی از چهار نویسنده مشهور دنیاست» (امین، بی‌تا: ۱۰/ ۳۲۸). ثعالبی در *یتیمه‌الدهر* آورده است که «هیچ وزیری همچون صاحب ادبا و وزرا را در دربار خود گرد نیاورده است» (ثعالبی، بی‌تا: ۳/ ۲۲۵). در میان وزرای آل بویه صاحب بیش از همه مشهور است و همه طبقات جامعه، از جمله امرا، نویسندگان، شاعران، سربازان و عامه مردم ایشان را بسیار تکریم می‌کردند (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۲/ ۲۲۷). صاحب در مدت وزارتش که هشت سال و یک ماه به طول انجامید، توانست برای آل بویه پنجاه قلعه فتح کند و به همین دلیل منزلت والایی نزد آنان داشت (یاقوت حموی، بی‌تا: ۴/ ۲۸۰). صاحب در مراتب علم، فضل، کمال، فصاحت، بلاغت، ادبیات، و شعر از برجستگان ادب عربی به‌شمار می‌رود. علمای شیعه صاحب را پیرو مذهب تشیع دانسته‌اند، از جمله شیخ صدوق در کتاب *عیون الاخبار الرضا* (ع) صاحب را متمسک به ولایت ائمه (ع) دانسته است و اشعاری نیز در مقدمه این کتاب در خصوص دوستی اهل بیت (ع) از این سراینده برجسته شیعی آورده

است (مختاری، ۱۳۸۴: ۱۵۷). صاحب هم کاتب بود هم شاعر. مورخان تألیفات وی را ۳۷ اثر شمرده‌اند که برخی از مشهورترین آن‌ها عبارت‌اند از: *الكشف عن مساوی شعر المتنبی*، *المحیط* (در هفت جلد)، *الوزراء* و *نهج السبیل* (صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۱۸). وی در ۳۸۵ ق در ری وفات یافت (زیدان، بی تا: ۱ / ۵۸۴).

۳. قصیده لامیه

صاحب قصاید متعددی در وصف ائمه، به‌ویژه حضرت علی (ع) و بیان مقام والای آن حضرت، سروده است. وی ۲۷ قصیده از دیوانش را به مدح آن حضرت اختصاص داده است که در هر کدام از این قصاید عشق و محبت صادقانه‌اش به حضرت موج می‌زند. یکی از برجسته‌ترین قصاید صاحب که بسیار ساده و روان است و در آن آیات و احادیثی را که درباره حضرت علی (ع) گفته شده است، بیان کرده و فضایل آن امام شریف را برمی‌شمارد، قصیده لامیه است که گواه صدقی بر عاطفه و علاقه راستین صاحب به حضرت علی (ع) است. صاحب این قصیده بلند را در ۶۴ بیت به شکل مناظره (قالت ... قلت) و در بحر بسیط سروده است. طغرای نیز «لامیه العجم» را بر وزن و قافیة قصیده صاحب سروده است. علاوه بر این، صاحب در این قصیده بخشی از عقاید شیعه امامیه را بیان کرده است. وجه تسمیه این قصیده به لامیه آن است که حرف روی^۱ در تمامی ابیات آن حرف لام است. صاحب در ۳۷ بیت از این قصیده فضایل و صفات برجسته حضرت علی (ع) را بسیار شیوا و دلکش به تصویر کشیده است. لامیه با این مطلع آغاز می‌شود:

قالت: أبا القاسم إستخفت بالغل؟ فقلت: ماذا من همی و لا شغلی

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۰)

آن زن گفت: ای ابوالقاسم، چرا غزل نمی‌گویی و آن را سبک و خوار شمرده‌ای؟
به او گفتم: در غزل نمی‌کوشم و به آن دل مشغول نمی‌کنم.

شاعر، در ۲۷ بیت اول قصیده بیش‌تر مذهب و برخی بحث‌های علت و معلولی را مطرح کرده است، اما از بیت ۲۸ تا پایان قصیده به بیان فضایل، صفات، و وقایع زندگی حضرت علی (ع) در خلال آیات، احادیث، و حوادث تاریخی پرداخته است. علامه امینی نیز در کتاب *نفیس الغدیر* ابیاتی از این قصیده را با عنوان «غدیریات صاحب» آورده است.

شایان ذکر است احمد سهیلی خوانساری^۲ نیز در معارضه با صاحب بن عباد شعری در همین وزن و به شکل مناظره در ۲۶ بیت سروده است، که ابیات آن ترجمه فارسی ابیات صاحب است و با این مطلع آغاز می شود:

صاحب دین مبین را دل زمن پرسید کیست؟
گفتمش: ختم رسل احمد مهین پیغمبر است

(رحیمیان، ۱۳۷۶: ۹۸)

۴. علی (ع) مرد جهاد و شجاعت

از بارزترین فضایل حضرت علی (ع) شجاعت و دلاوری ایشان در عرصه جنگ و جهاد در راه خداست. از نظر شجاعت در میان یاران رسول خدا هیچ کس به مرتبه آن حضرت نرسید. بهترین گواه آن جنگ های صدر اسلام است، که عموماً فاتح آن ها حضرت علی (ع) بود. وی تنها کسی بود که همواره در برابر دشمنان می ایستاد و هیچ دلاوری به جنگ او نیامد، جز این که یا با شمشیر حضرت از پای درآمد یا فرار کرد. علی (ع) قهرمانی است که نبرد با دشمن را جز با شمشیر جایز نمی شمرد. پهلوانی است که هرگز بر روی دشمن زخم خورده شمشیر نمی کشد. دلیری است که در پیکار با دشمن به حيله و ناسزا متوسل نمی شود. حضرت با همه توانایی، نیرومندی، و جنگاوری، که دنیا نظیر آن را کم دیده است، هیچ گاه بر دشمن پیش دستی نمی کرد. از نصایح ایشان به فرزندش امام حسن (ع) این است که می فرماید: «هرگز کسی را به مبارزه دعوت نکن، اما اگر دشمن تو را به جنگ خواند، روی مگردان» (صدر، ۱۹۹۶: ۲۵). همچنین در نامه ای که حضرت به عثمان بن حنیف نوشته است، این فراز دیده می شود: «و الله لو تظاهرت العرب علی قتالی لما ولیت عنها؛ به خدا سوگند اگر اعراب در نبرد با من پشت به پشت یکدیگر بدهند، از آنان روی برنتابم» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۴۵). همه این سخنان بیان گر شجاعت و دلاوری بی حد علی (ع) است، به طوری که این شجاعت در جنگ هایی که حضرت در آن حضور داشت، به خوبی مشاهده می شود. در جنگ بدر، نخستین جنگ سرنوشت ساز اسلام که در سال دوم هجرت رخ داد، ۷۰ تن از سران مشرکان کشته شدند و به گفته راویان شیعه و سنی بیش از ۳۵ تن از آنان به دست حضرت علی (ع) کشته شدند (مهریزی، ۱۳۸۶: ۱/۳۱۸). صاحب بن عباد، که عاشق و دل باخته مولای متقیان حضرت علی (ع) است، در قصیده لامیه اش بیش از هر چیزی به بیان جنگ ها و دلاوری های حضرت پرداخته و این

رشادت‌ها را به زیباترین صورت به تصویر کشیده است. صاحب، علی (ع) را افتخار جنگ بدر می‌داند که همه دشمنان را با شمشیر برآتش از بین برد:

قالت: فمن فاز فی بدر بمفخرها؟ فقلت: أضرب خلق الله فی لقلل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۱)

گفت: افتخار جنگ بدر نصیب چه کسی شد؟

گفتم: آن کس که بیش‌تر بر فرق سران شرک و کفر کوبید (بهترین شمشیرزن است).

از دیگر عرصه‌های تجلی شجاعت علی (ع) جنگ خندق و رویارویی حضرت با جنگ‌جوی مشهور عرب، عمرو بن عبدود است. حضرت علی (ع) در برابر مبارزه‌طلبی او ایستاد و در نبرد تن به تن او را به خاک افکند. هر شجاعی که در جنگ به دست حضرت علی (ع) کشته می‌شد، موجب افتخار قبیله خود می‌شد. افراد آن قبیله نیز از تقابل مقتول با حضرت مباهات می‌کردند، چنان‌که در غزوه خندق عمرو بن عبدود به دست علی (ع) کشته شد. خواهر عمرو در رثای مرگ برادرش فقط شجاعت قاتل را مایه تسلی خود می‌داند و می‌گوید: «اگر جز علی، که حقاً لیاقت آن را دارد که قاتل برادرم باشد، دیگری عمرو را کشته بود، تمام عمر می‌گریستم، لکن علی را در شجاعت در همه جهان نظیری نیست و کشته‌شدن به دست او عین افتخار و اعتبار است» (عقاد، بی‌تا: ۲۱).

آری، قوت جسم و نیروی علی (ع) از عجایب روزگار است و دوست و دشمن همگی بر آن اتفاق نظر دارند. پادشاهان ترک آل بویه نیز برای تیمن و تبرک به حضرت و همچنین برای پیروزی بر دشمن عکس صورت مبارک ایشان را بر شمشیر خود می‌کشیدند و همراه خود داشتند (قمی، ۱۳۷۶: ۱۰۶). به‌راستی باید پیامبر (ص) باید شهادت و شجاعت حضرت را بستاید که در روز جنگ خندق فرمود: «ضربة علی یوم الخندق أفضل من عبادة الثقلین: یک ضربه علی (ع) در روز خندق از عبادت جن و انس برتر است» (عزیزی، ۱۳۷۹: ۱۹۴). بعضی توجه‌شان فقط به اثر اجتماعی این ضربه است، زیرا به نظر آنان این ضربه اسلام را نجات داد. البته شکی نیست که این چنین بود، اما آنچه آن ضربه را تا آن حد باارزش می‌کند، نهایت اخلاصی است که علی (ع) در واردکردن چنین ضربتی از خود نشان داد. صاحب نیز به شجاعت حضرت در جنگ خندق اشاره کرده است و علی (ع) را سوارکاری شجاع و دلیر می‌داند که عمرو بن عبدود را به قتل رساند.

صادق سیاحی و سعیده منصوری نیا ۱۳۳

قالت: فمن فارس الأحزاب یفرسها؟ فقلت: قاتل عمرو الضیغم البطل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۱)

گفت: سوارکار شجاع جنگ احزاب که دشمن را نابود کرد، چه کسی بود؟
گفتم: آن کس که عمرو بن عبدود دلاور را کشت.

پیکار علی (ع) در همه نبردهایش، پیکار جوانمردی، شجاعت، شرف، و عزت است. جنگ احد، که در سال سوم هجرت رخ داد، شاهد دیگری بر دلیری معجزه‌آسای حضرت در عرصه پیکار و مقابله با دشمنان است. در این جنگ بود که صدای جبرئیل بین آسمان و زمین پیچید و ندا داد: «لا فتی إلا علی لا سیف إلا ذوالفقار: جوانمردی جز علی و شمشیری جز ذوالفقار نیست» (مهریزی، ۱۳۸۶: ۵۱۶). صاحب نیز سیادت جنگ احد را از آن علی (ع) دانسته است و دلیل آن را نیز دلاوری حضرت و نهراسیدن در مقابل دشمنان می‌داند:

قالت: فمن ساد یوم الروع فی أحد؟ فقلت: من هالهم بأسا و لم یهل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۱)

گفت: چه کسی در روز هراس‌انگیز جنگ احد به سروری رسید؟
گفتم: کسی که در دشمنان هراس برانگیخت و خود از هیچ‌کس نترسید.

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، صاحب در این قصیده به بسیاری از جنگ‌های حضرت علی (ع) اشاره کرده و از برخی وقایع تاریخی پرده برداشته است. این امر نشان‌دهنده توجه فراوان شاعر به این جنبه از فضایل حضرت است. وی در ابیات زیر نیز به دیگر نبردهای امام پرداخته و چنین سروده است:

قالت: فیوم حنین من بری و فری؟ فقلت: حاصد أهل الشرك فی عجل

قالت: فخییر من ذاهد معقلها؟ فقلت: سائق أهل الكفر فی عقل

قالت: فمن قاتل الأقوام إذ نکتوا؟ فقلت: تفسیره فی وقعة الجمل

قالت: فمن حارب الأنجاس إذ قسطوا؟ فقلت: صفین تبدی صفحة العمل

قالت: فمن قارع الارجاس اذ مرقوا؟ فقلت: معناه یوم النهروان جلی

(همان: ۳۱-۳۲)

گفت: در جنگ حنین چه کسی رتق و فتق جنگ را بر عهده داشت؟
گفتم: همان که مشرکان را در دم درو کرد.

گفت: در جنگ خیبر چه کسی دژ و قلعه آنان را از جا کند و نابود کرد؟
 گفتم: کسی که کافران را به نابودی کشاند.
 گفت: چه کسی ناکثین پیمان شکن را به قتل رساند؟
 گفتم: جنگ جمل پرده گشای این راز است.
 گفت: چه کسی با قاسطین ناپاک بیدادگر نبرد کرد؟
 گفتم: دشت صفین را بنگر که صحنه کارزار بود.
 گفت: چه کسی مارقین پلید از دین برگشته را سرکوب کرد؟
 گفتم: روز جنگ نهروان معنای آن آشکار شد.

شاعر در این ابیات نیز به رشادت‌ها و دلاوری‌های حضرت علی (ع) در دیگر جنگ‌ها چون حنین، خیبر، جمل، صفین، و نهروان اشاره می‌کند. وی در همه این جنگ‌ها حضرت را فاتح میدان جنگ دانسته است که هیچ‌یک از دشمنان توانایی مقابله با ایشان را ندارد. فقط علی (ع) است که یک‌هفته تاز میدان نبرد و مبارزه در راه خداست. وقتی که حضرت در قلعه خیبر را، که حدود پنجاه نفر به سختی می‌توانستند آن را از جا بکنند، با یک دست از جا کند، فرمود: «والله ما قلعت باب خیبر بقوة جسدانية بل بقوة الهية: به خدا سوگند من در خیبر را با قوه‌ای جسمانی نکردم، بلکه قوه‌ای الهی مرا تأیید کرد» (عزیزی، ۱۳۷۹: ۱۹۳). حضرت این نیرو و توانایی را از جانب خداوند می‌داند. ایشان در همه غزواتی که با پیامبر (ص) همراه بود، چنان بی‌باکانه به سوی مرگ می‌شتافت، که دلاورترین دلاوران را به حیرت و تحسین وامی‌داشت. پس از رسول خدا نیز در جنگ با ناکثین و مارقین و قاسطین، که در ابیات بالا به آن‌ها اشاره شده است، پیروز شد. پیروزی در همه‌جا با حمله و شجاعت ایشان بود. رفتار جوانمردانه حضرت با پیمان‌شکنان جنگ جمل حیرت‌آور است و جز رفتار پیغمبر بعد از فتح مکه نظیری در تاریخ بشر ندارد. حضرت از مرگ کسانی که در این جنگ بر رویش شمشیر کشیده و کمر به قتل ایشان بسته بودند، نیز سخت متأثر شد (مهریزی، ۱۳۸۶: ۵۱۵). این‌ها نشان‌دهنده توان‌مندی و قدرت توأم با جوانمردی علی (ع) است. علاوه بر شجاعت و دلاوری حضرت در میدان جنگ و پیکار با دشمنان، یکی دیگر از وقایعی که به بهترین نحو بیان‌گر این جنبه از شخصیت علی (ع) است، لیلۃ‌المبیت است (لیلۃ‌المبیت شبی است که پیامبر (ص) از جانب خداوند مأمور به هجرت شد). در آن شب که مشرکان قصد داشتند با هجوم به منزل پیامبر (ص) وی را به قتل برسانند، آن حضرت از علی (ع) خواست تا ردای مخصوص او را بپوشد و در بستر ایشان بخوابد. علی (ع) با شجاعت و ایشار نه فقط این مسئولیت خطرناک را پذیرفت و خود را در معرض امتحان وفاداری به اسلام و پیامبر (ص)

قرار داد، بلکه با اقدام شجاعانه نقش مؤثری در حفظ اسلام و پیامبر (ص) ایفا کرد (قائدان، ۱۳۸۰: ۲۳). بدیهی است چنان کسی که به بستر رسول اکرم (ص) می‌رود و خود را برای شمشیر برنده دشمنان آماده می‌کند و از جانش می‌گذرد، جز علی (ع) نیست. فقط اوست که نور خدایی در قلبش موج می‌زند. خداوند برای این‌که این فداکاری و جان‌فشانی بی‌نظیر حضرت در همه قرون و اعصار جاودانه بماند، آن را ستوده است و می‌فرماید: «ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء الله والله رءوف بالعباد: در میان مردم [کسی همچون علی (ع) که از جان خود برای خشنودی خدا می‌گذرد] نیز هست و خداوند نسبت به بندگان مهربان است» (بقره: ۲۰۷). این جریان افتخارآمیز توجه بسیاری از شاعران را در طی تاریخ به خود جلب کرده است. صاحب بن عباد نیز با اشاره به مفاد آیه بالا لیلۃ المبیّت را فضیلت بزرگی برای حضرت می‌داند و آن‌گاه که صحبت از حفظ جان رسول خدا (ص) و دین مبین اسلام باشد، حضرت علی (ع) را ثابت‌قدم‌ترین مخلوقات می‌داند که از هیچ چیزی نمی‌هراسد:

قالت: فمن بات من فوق الفراش فدی؟ فقلت: أثبت خلق الله فی الوهل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۰)

گفت: چه کسی بر فراش پیغمبر (ص) خفت تا جان خود را فدای او کند؟
گفتم: آن‌که در طوفان حوادث از جای نجنبید.

فضیلت و اهمیت این عمل علی (ع) باعث شده است که دانشمندان بزرگ اسلام آن را از بزرگ‌ترین فضایل حضرت علی (ع) بشمارند و او را فداکار معرفی کنند. در تفسیر تاریخ هر موقع رشته سخن به این‌جا کشیده می‌شود، نزول آیه یادشده را درباره حضرت مسلم دانسته‌اند (سبحانی، ۱۳۶۸: ۱ / ۲۵-۲۶). همچنین شاعر در بیت زیر یکی از دلایلی را که خداوند حضرت علی (ع) را حامل پرچم توحید در روز قیامت قرار داده است، همین شجاعت و دلاوری حضرت و نهراسیدن در عرصه پیکار با دشمنان می‌داند و چنین می‌گوید:

قالت: فمن ذا لواء الحمد یحمله؟ فقلت: من لم یکن فی الروع بالوجل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۱)

گفت: چه کسی لواء حمد را بر دوش خواهد کشید؟
گفتم: همان که از نبرد نهراسید.

همچنین در کتاب نفیس *مفاتیح الجنان* نیز در فرازی از زیارت مطلقه امیرالمؤمنین (ع) به

شجاعت و دلاوری حضرت اشاره شده و چنین آمده است: «هو سيف الله وأسد الله: او شمشیر برآن و شیر یزدان است» (قمی، ۱۳۷۱: ۳۵۵). در این فراز حضرت در شجاعت به شیر و شمشیر تشبیه شده است که دو مظهر و نماد شجاعت و دلاوری‌اند.

۵. دروازه طلایی علم نبوی

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز حضرت علی (ع) علم و دانش گسترده و بی‌حد و منتهای ایشان است. مورخان اسلامی اتفاق نظر دارند که مبتکر علم نحو امیرالمؤمنین علی (ع) است. سیدحسن صدر در تأسیس الشیعه آورده است که: «علی (ع) به ابوالاسود دوئلی که شیعه و فوق‌العاده بااستعداد بوده است، اصول نحو را آموخت و دستور داد در آن تأمل کند و بر آن بیفزاید» (عزیزی، ۱۳۷۹: ۱۴۶). عُمر سخت از فقاہت و دانش علی (ع) در اعجاب و شگفتی بود و اهل تسنن می‌گویند عمر ۷۰ مرتبه گفت: «لولا علی لهلك عمر: اگر علی نبود عمر هلاک می‌شد» (شری، ۱۳۳۶: ۲۴۵). عمر خود از نیاز مبرمش به علم علی (ع) با این عبارت پرده برداشته است: «مشکلی برایم نماند که ابوالحسن آن را نگشاید» (همان). این سخنان و شواهد همه بر علم گسترده حضرت دلالت دارد. امام (ع) خود بارها در مواضع متعدد از فرونی علم خویش خبر داده است، چنان‌که گاهی دست بر سینه خود می‌نهاد و به علم فراوانی که در سینه داشت، اشاره می‌کرد: «إن ههنا لعلمًا جمًّا: در این جا [اشاره به سینه مبارکش] هر آینه دانش فراوانی است» (مهریزی، ۱۳۸۶: ۵۰). همچنین در خطبه شفشقیه، که از معروف‌ترین خطبه‌های نهج‌البلاغه است، می‌فرماید: «بندر عنی السبیل ولا یرقی الی الطیر: کوه بلند را مانم که سیلاب دانش از ستیغ من جاری است و مرغ اندیشه را توان پرواز به قله‌ام نیست» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۳). مفاد احادیث فراوانی که درباره علم ایشان روایت شده توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب کرده است. صاحب بن عباد نیز بارها در اشعار خود به احادیث نبوی درباره علم حضرت اشاره کرده است تا طالبان علم را به سرچشمه دانش و معرفت هدایت کند، زیرا حضرت علی (ع) در شهر علم پیامبر است که همه نیازمند علم اویند و اوست که از علم همگان بی‌نیاز است:

قالت: فمن ذا غدا باب المدينة، قل فقلت: من سألوه العلم و لم یسل^۳

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۲)

گفت: بگو چه کسی شهر علم را در بود؟

گفتم: کسی که همه نیازمند دانش او بودند و خود نیازمند نبود.

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، این بیت از لامیة صاحب اقتباسی است بسیار روشن از این حدیث پیامبر (ص) که می‌فرماید: «أنا مدينة العلم وعلیّ بابها فمن أراد العلم فليأتها من بابها: من شهر علم هستم و علی در آن است؛ هرکس می‌خواهد به این علم برسد، باید از آن در وارد شود» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۱: ۱۹۵). این از بالاترین مراتبی است که پیامبر (ص) برای حضرت علی (ع) قائل شده است و کسی دیگر از یاران خود را در این مسئله با وی شریک نساخته است. پیامبر (ص) با این بیان خود به مسلمانان دو چیز را اعلام کرد: نخست این‌که آن دانایی که امت نیازمند علم اویند، علی (ع) است و دوم آن‌که بدون علی (ع) نمی‌توان به علم پیامبر دست یافت و از آن بهره‌مند شد.

۶. دریای جود و کرم

از دیگر فضایل حضرت علی (ع) بخشندگی فراوان ایشان است. تاریخ نام بخشندگانی از عرب و عجم را ثبت کرده است، اما هیچ‌یک از آنان شباهتی به علی (ع) ندارد. از بارزترین نمونه‌های بخشش حضرت این است که ایشان در نافله نماز ظهر و در رکوع انگشتی خود را به سائل بخشید. خداوند هم وقتی علی (ع) را به مقام ولایت عامه، همان ولایتی که خدا و رسولش نسبت به مردم دارند، معرفی می‌فرماید، نشانه‌اش را همین بخشش حضرت قرار می‌دهد و آیه ۵۵ سوره مائده را در شأن این کرم و بخشش حضرت نازل کرده است: «انما وليکم الله ورسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزکوة وهم راعون: همانا ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند» (مائده: ۵۵). اما مسئله‌ای که باید در این‌جا به آن توجه کنیم، این است که زکات‌دادن در رکوع کاری عمومی نیست، بلکه قضیه‌ای استثنایی است که همه، اعم از شیعه و سنی، بیان کرده‌اند که این آیه درباره‌ی علی (ع) است (قمی، ۱۳۷۶: ۵۶-۵۷). صاحب نیز مفهوم این آیه شریفه را درباره‌ی کرم و بخشش حضرت با بیانی بسیار دلکش و زیبا به تصویر کشیده است:

قالت: فمن راع زکّی بخاتمه؟ فقلت: أظعنهم مذکان بالأسل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۱)

گفت: چه کسی در رکوع نماز انگشتی‌اش را زکات داد؟
گفتم: همان کسی که چون نیزه در دست داشت، از همه نیزه‌انداز تر بود.

بعد از نزول این آیه، که این بیت از لامیه تلمیحی روشن به آن است، کسانی به امید نزول آیه‌ای درباره خود در حال رکوع صدقه دادند، اما آیه‌ای در شأن آنان نازل نشد (مهریزی، ۱۳۸۶: ۵۱۴). آری به آسانی می‌توان صدقه داد، اما آن خلوص علی (ع)، آن صفای نفس، طهارت قلب، و تقوای بی‌نظیر علی (ع) است که عملش را از دیگران ممتاز می‌سازد و زبان وحی فقط او و کار او را می‌ستاید. از دیگر مصادیق مشهور بخشش علی (ع) همان امری است که به سبب آن آیات ۵ تا ۲۲ سوره مبارکه انسان در شأن ایشان نازل شد. داستان از این قرار بود؛ مقداری نان جو نزد اهل بیت آن حضرت بود که سه شب متوالی به ترتیب آن را به مسکین و یتیم و اسیری در هنگام افطار بخشیدند و هر سه شب علی (ع) و خانواده اش با وجود آن‌که روزه بودند، تنها خوراک خود را به نیازمندان دادند و خود با آب افطار کردند (امینی، ۱۳۷۱: ۶۵/۴). آری، پروردگار این ایثار را ستود تا همگان تا رستاخیز آن را بخوانند و یادش همواره زنده بماند. خداوند درباره این بخشندگی می‌فرماید: «و يطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیم و اسیرا: به پاس دوستی خدا بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند» (انسان: ۸). صاحب بن عباد نیز همچون بسیاری از ادیبان و شاعران از این فضیلت امام علی (ع) و اهل بیت وی الهام می‌گیرد تا ویژگی بشردوستی و مردم‌خواهی امام (ع) و اهل بیت ایشان را به مردم نشان دهد، و آنان فراگیرند که چگونه هنگام مشکلات در راه خشنودی خداوند دیگران را بر خود ترجیح دهند. وی به بخشش حضرت اشاره کرده است و ایشان را بخشنده‌ترین مخلوقات خدا می‌داند:

قالت: ففی من أتاها «هل أتی» شرفاً؟ فقلت: أبذل خلق الله للنفل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۲)

گفت: سوره هل آتی در مقام شرف و عزت چه کسی نازل شد؟

گفتم: کسی که بخشنده‌ترین مخلوقات خدا بود.

بدیهی است که جز خداوند هیچ زبان و بیانی قادر به ستایش چنین ایثاری نیست. ستایش خداوند از علی (ع) منحصر به سوره هل آتی نیست، بلکه بخشش مولی در شب و روز و نهان و آشکار ستایش شده است:

الذین ینفقون اموالهم باللیل والنهار سراً و علانیه فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون: کسانی که اموال خود راه شب یا روز و پنهان یا آشکار، انفاق می‌کنند، پاداش آنان با پروردگارشان است و نه بیمناک می‌شوند و نه اندوهگین (بقره: ۲۷۴).

۷. غدیر خم و جانشینی بر حق علی (ع)

از حوادث مهم و سرنوشت‌ساز اسلام واقعه غدیر خم است. در مکتب انسانیت و کمال جانشین فردی کامل جز فردی کامل نتواند بود. چنین روایت شده است که رسول خدا (ص) در ۱۸ ذی حجه در هنگام بازگشت از حجة الوداع در غدیر خم و در جمع صحابه و یارانش دست حضرت علی (ع) را بالا برد و آن حضرت را وصی و جانشین خود معرفی کرد و در آن روز چنین فرمود: «من كنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله: هر کس من مولای او هستم، علی نیز مولای اوست. خدایا دوست بدار هر که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن می‌دارد. یاری کن هر که او را یاری می‌کند و خوار کن هر که او را خوار می‌کند» (امینی، ۱۳۷۱: ۹/۱). همچنین پیامبر (ص) در غدیر خم خطاب به اصحابش فرمود: «سَلِّمُوا عَلٰى عَلِيٍّ بِاَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ: به علی (ع) سلام دهید در مقام امارت مؤمنین و امیرالمؤمنینی» (عزیزی، ۱۳۷۹: ۵۲-۵۳). حضرت علی (ع) نیز بعد از قبول این وظیفه خطیر، یعنی ولایت و سرپرستی امت بعد از پیامبر (ص)، که فقط و فقط حق خودش بود، درباره وظایف امام و رهبر و ولی مردم چنین فرمود: «هر که خویش را امام و رهبر مردم معرفی کند، وظیفه دارد که پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خویشتن پردازد و پیش از این که با زبان در پی تربیت مردم برآید، با رفتارش نقش سرپرستی خویش را آشکار کند» (کتانی، ۱۳۴۹: ۱۴۰). صاحب نیز به این حق مسلم علی (ع)، که همان جانشینی بعد از پیامبر است، اشاره کرده است و سیادت و سروری در روز غدیر را فقط از آن علی (ع) می‌داند که برای اسلام و مسلمین بهترین ولی است:

قالت: فمن ساد في يوم الغدير؟ ابن قفلت: من صار للإسلام خير ولي

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۲)

گفت: چه کسی در روز غدیر سیادت و سروری یافت؟ روشن کن؟

گفتم: کسی که اسلام و مسلمین را بهترین سرپرست بود.

شاعر در این بیت به واقعه غدیر اشاره کرده است تا نشان دهد دین اسلام فقط با ولایت علی (ع) و خاندانش کامل می‌شود. همچنین معروف است شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که آیه شریفه «يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك و إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله يعصمك من الناس إن الله لا يهدي القوم الكافرين: ای پیغمبر، آنچه از پروردگارت بر تو نازل شد، به خلق برسان که اگر نرسانی، رسالت او را ادا نکرده‌ای و خدا تو را از شر و

آزار مردمان محفوظ خواهد داشت، بیم مکن و دل قوی دار که خدا گروه کافران را هدایت نخواهد کرد» (مأنده: ۶۷) به مناسبت ولایت علی (ع) نازل شده است. شاعر در بیت دیگری از قصیده لامیه بیان می کند که بعد از پیامبر (ص) باید علی (ع) را خالصانه دوست داشت و نیز ایشان را ولی و جانشین معرفی می کند که از نظر مقام و منزلت از سیاره زحل هم بالاتر است. این امر را نیز دلیلی بر جانشینی ایشان بعد از پیامبر (ص) قرار داده است و چنین می گوید:

قلت: فمن بعده يصفى الولاء له؟ قلت: الوصى الذی أربی علی زحل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۰)

گفت: بعد از او [پیامبر اکرم] چه کسی را باید خالصانه اطاعت کرد؟
گفتم: آن وصی و جانشینی که خیمه بر زحل افراشته است.

حضرت علی (ع) جانشین بر حق پیامبر (ص) است. اوست که بارها برای خدا و رسول خدا و حفظ اسلام به استقبال مرگ رفته است؛ کسی که اسلام و قرآن را بهتر از هر کسی می شناسد.

۸. مناقب دیگر درباره امیرالمؤمنین علی (ع)

از دیگر فضایل بسیار والای حضرت علی (ع) همان فضیلتی است که به سبب آن آیه مباهله نازل شد. این فضیلت از ویژگی های منحصر به فرد امام (ع) است. هیچ کس از امت در این فضیلت با ایشان سهیم نیست. داستان از این قرار است که در سال نهم هجرت گروهی به نمایندگی از مسیحیان نجران به مدینه آمدند تا درباره اسلام از پیامبر (ص) سؤال هایی پرسند، ولی با پیامبر (ص) درباره دین احتجاج کردند و میان پیامبر و آنان گفت و گوهایی رد و بدل شد. پیامبر (ص) موضع مثبت را پیش گرفت ولیکن آنان در موضع منفی نسبت به تعلیمات اسلامی پافشاری کردند. آن گاه وحی نازل شد و پیامبر (ص) را مأمور مباهله با آنان کرد (شرعی، ۱۳۶۶: ۱۶۲). خداوند آیه ۶۱ سوره مبارکه آل عمران را درباره جریان مباهله نازل کرده است و می فرماید: «فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابنانا وابتناءکم ونساءنا ونساءکم وأنفسنا وأنفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین: پس هر کس با تو در مقام مجادله برآید درباره عیسی بعد از آن که به وحی خدا به احوال او آگاهی یافتی، بگو بیایید ما و شما بخوانیم فرزندان و زنان و نفوس خود را تا با هم به

مباهله برخیزیم و دروغ‌گویان را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم» (آل عمران: ۶۱). منظور از انفسنا در این آیه حضرت علی (ع) است. در این آیه علی (ع) جان رسول خدا (ص) معرفی شده است. این امر نشان‌دهنده رسیدن آن حضرت به درجه‌نهایی کمال است. وقتی مأمون از امام رضا (ع) پرسید خیر بده مرا به فضیلتی از امیرالمؤمنین (ع) که قرآن بر آن دلالت داشته باشد، حضرت فرمود: «آن فضیلتی که در آیه مباهله است» (قمی، ۱۳۷۶: ۶۴-۶۵). صاحب نیز در لامیه به این فضیلت حضرت اشاره کرده است و حضرت علی (ع) را در جریان مباهله با مسیحیان همراه پیامبر (ص) می‌داند و چنین می‌گوید:

قالت: فمن باهل الطهر النبوی به؟ فقلت: تالیه فی حلّ ومرتحل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۲)

گفت: پیامبر پاک در مباهله چه کسی را همراه برد؟

گفتم: همان کسی که در سفر و حضر هم‌سنگ و همتای او بود.

از دیگر مناقب حضرت علی (ع) حدیث الطیر یا داستان مرغ بریان است. به‌واسطه این جریان بود که مشخص شد علی (ع) محبوب‌ترین انسان نزد خدا و رسولش است. انس بن مالک چنین روایت کرده است:

هر روز یکی از فرزندان انصار کارهای پیغمبر (ص) را انجام می‌داد. روزی نوبت من بود. ام‌یمن مرغ بریانی را به محضر پیغمبر آورد و گفت: 'یا رسول الله این مرغ را خود گرفته‌ام و برای شما پخته‌ام'. پیامبر (ص) قبل از خوردن دعا فرمود: 'اللهم ائتني بأحبّ خلقك السیّ والیک حتی یأکل معی من هذا الطیر: خدایا محبوب‌ترین بندگانت را برسان که با من در خوردن این مرغ شریک شد'. در این هنگام در زده شد، انس پس از سه‌بار به امید آن‌که این شخص از خاندان خودش باشد، در را به روی حضرت علی (ع) باز نکرد و پس از سومین بار در را باز کرد و علی (ع) محبوب‌ترین انسان از نظر خدا و رسولش بود، پس با پیامبر (ص) مرغ را خوردند (مطهری، بی‌تا: ۹۸-۹۹).

صاحب بن عباد در لامیه با تلمیح به حدیث بالا، که بیان‌گر منزلت علی (ع) نزد خداوند و رسولش است، حضرت را محبوب‌ترین و بهترین پیشوا می‌خواند:

قالت: فمن ذا دعی للطیر یأکله فقلت: أقرب مرضیّ و منتحل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۲)

گفت: برای تناول مرغ بریان حضور چه کسی آرزو بود؟

گفتم: همان که نزد خدا و رسول مقرب‌تر و محبوب‌تر بود؟

شاعر در این بیت محبوبیت نزد خدا و رسولش را فقط از آن علی (ع) می‌داند و بس. دیگر فضیلت شخصیت بزرگوار حضرت حدیث منزلت است، که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند. این حدیث مربوط به غزوه تبوک، آخرین غزوه پیامبر (ص)، است. در این جنگ پیامبر علی (ع) را به همراه خود نبرد، در حالی که حضرت که مرد جهاد و مبارزه در راه خدا بود، دوست داشت در این جنگ در رکاب پیامبر (ص) باشد. پیامبر (ص) نیز در جواب ایشان فرمود: «أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدى: نسبت تو به من مانند نسبت هارون به موسی است جز آن که بعد از من پیغمبری نیست» (قمی، ۱۳۷۶: ۷۱). پیامبر (ص) در این حدیث به شباهتی که میان خود و علی (ع) با حضرت موسی (ع) و برادرش هارون وجود دارد، اشاره کرده است. صاحب نیز وقتی از برادری پیامبر (ص) و علی (ع) سخن می‌گوید، به مفاد این حدیث نبوی اشاره کرده و منزلت علی (ع) را در برابر پیامبر همچون منزلت هارون نسبت به موسی (ع) می‌داند:

قالت: فمن شبه هارون لنعرفه؟ فقلت: من لم يحل يوما و لم يزل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۲)

گفت: چه کسی مانند هارون است، بگو تا او را بشناسیم؟
گفتم: همان کسی که در آشوب و فتنه نلغزید و از پای ننشست.

شاعر در این بیت، که اقتباسی از این حدیث پیامبر (ص) است، به شباهت بین پیامبر و علی (ع) با حضرت موسی (ع) و هارون اشاره می‌کند. پس همان‌طور که هارون در جامعه طاغوتی و پر از ظلم و ستم فرعون پشت موسی (ع) را محکم کرد و حضرت را یاری داد، علی (ع) نیز چنین نقشی را در مقابل پیامبر (ص) به خوبی انجام داد. همچنین از اسماء بنت عمیس نقل شده است که:

روزی پیامبر (ص) سر به زانوی علی (ع) نهاد و خوابید و نماز عصر حضرت علی (ع) قضا شد. دعا کرد تا خداوند خورشید را بازگرداند. خورشید بازگشت و حضرت نماز خود را خواند. این واقعه که به حدیث 'رد الشمس' معروف است، در سال هفتم هجرت اتفاق افتاده است (امینی، ۱۳۶۲: ۵ / ۲۹۹).

صاحب به این واقعه شگفت‌انگیز در فضیلت حضرت اشاره کرده است و چنین می‌گوید:

صادق سیاحی و سعیده منصوری نیا ۱۳۳

قالت: فمن ذالذی آخاه عن مقة؟ فقلت: من حاز رد الشمس فی الطفل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۰)

گفت: چه کسی مشتاقانه برادر پیامبر (ص) خوانده شد؟
گفتم: همان که خورشید پس از غروب به خاطر او بازگشت.

از دیگر آیاتی که در مقام و منزلت والای حضرت علی (ع) و اهل بیت بزرگوار ایشان در خانه ام سلمه بر پیامبر نازل شده آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب (آیه تطهیر) است (قمی، ۱۳۷۶: ۶۳-۶۴). خداوند در این آیه می‌فرماید: «انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا: خداوند می‌خواهد پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد». این آیه بر پاکی و عصمت اهل کساء دلالت دارد. صاحب نیز در لامیه حضرت علی (ع) را دومین نفر از اصحاب کساء بعد از پیامبر (ص) می‌داند و به دلیل این فضیلت والای حضرت، ایشان را بهترین انسان‌ها می‌داند:

قالت: فمن تلوه یوم الکساء؟ أجب: أنجب مکسو ومشمتم

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۲)

گفت: بگو چه کسی در سایه عبا همتای پیامبر گشت؟
گفتم: نجیب‌ترین عالمیان از گلیم بر دوش و خزپوش.

از جمله روایاتی که بر جایگاه والای علی (ع) نزد خداوند دلالت می‌کند، روایتی است که رسول خدا (ص) در آن بیان می‌کند که خداوند در روز قیامت تقسیم بهشت و جهنم را در اختیار علی (ع) قرار می‌دهد. مثلاً در روایتی چنین آمده است: «قال رسول الله یا علی أنت قسیم الجنة والنار یوم القیامة: پیامبر (ص) فرمود: ای علی، تو تقسیم‌کننده بهشت و جهنم در روز قیامت» (حسینی تهرانی، ۱۳۷۸: ۶۳). این روایت چنان شهرتی دارد که مفاد آن در شعر بسیاری از شاعران آمده است. صاحب بن عباد نیز با اشاره به این که رأی و اندیشه امام برتر از اندیشه و نظر هر کس دیگری است و آن حضرت از هر گونه اشتباهی در داوری کردن به دور است، فقط او را صاحب چنین افتخاری می‌داند:

قالت: فمن ذاقسیم النار یسهما؟ فقلت: من رأیه أذکی من الشعل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۲)

گفت: آن‌که تقسیم‌کننده آتش جهنم است، کیست؟
گفتم: کسی که شرار اندیشه‌اش از شعله آتش گیراتر است.

آری، از آنجا که تقسیم بهشت و جهنم کار هر کسی نیست، خداوند آن را به علی (ع) سپرده است که خود از همه نظر بر همگان برتری دارد. فقط چون او بی می تواند شایستگی چنین امر خطیری را داشته باشد و صاحب هم که دوستدار علی (ع) است، همه این مسائل و افتخاراتی را که خداوند نصیب حضرت کرده به خوبی شناخته است و در لابه لای اشعار خود به زیبایی آن‌ها را ترسیم کرده است.

از دیگر فضایل علی (ع) این است که فقط ایشان لیاقت همسری حضرت فاطمه (س) را داشت. پیش از علی (ع) بسیاری از بزرگان قریش از فاطمه نزد رسول خدا خواستگاری کرده بودند. پیامبر در پاسخ همه آنان فرمود: «أمرها إلی ربّها: ازدواج حضرت فاطمه (س) به امر پروردگار اوست (سبحانی، بی تا: ۱۱۲). حضرت فاطمه نیز خود به هیچ خواستگاری پاسخ مثبت نمی داد، چون به فرموده رسول خدا (ص) اگر علی (ع) نبود، هم سان و همسری برای فاطمه یافت نمی شد: «ولو لم یخلق علیّ ما کان لفاطمة کفو: اگر علی (ع) آفریده نمی شد، همتایی برای فاطمه (س) نبود» (رسولی، ۱۳۷۴: ۹۳). صاحب نیز همسر فاطمه زهرا (س) را بهترین همه انسان‌ها می داند و چنین می گوید:

قالت: فمن زوج الزهراء فاطمة؟ فقلت: أفضل من حاف ومنتعل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۰)

گفت: چه کسی همسر فاطمه زهرا شد؟

گفتم: بهترین جهانیان: از پابرهنه و چکمه پوش.

شاعر در مصرع دوم این بیت، که صنعت کنایه دارد، حضرت علی (ع) را بهترین همه انسان‌ها می داند. به نظر شاعر نیز هیچ کس جز علی (ع) لیاقت همسری حضرت را ندارد؛ زیرا همسر بانویی کامل چون فاطمه جز انسانی کامل نتواند بود. از نخستین افتخارات حضرت پیش گام بودن در پذیرفتن اسلام و به عبارت دیگر، ابراز و اظهار اسلام دیرینه خویش است. پیش قدم بودن در پذیرفتن اسلام و گرایش به آیین توحیدی از موضوعاتی است که قرآن مجید نیز بر آن تأکید ورزیده و اعلام کرده است کسانی که در گرایش به آیین اسلام پیش قدم باشند، در کسب رضای حق نیز پیش قدم اند. «السابقون السابقون، أولئک المقربون: پیش گامان پیش گام، که همان مقربانند» (واقعه: ۱۰-۱۱). علی (ع) اولین عابد دنیاست، به طوری که عبادتش ضرب المثل شده است. نماز و روزه اش از همه پیش تر بود. از کثرت سجود پیشانی مبارکش پینه بسته بود. وقتی تیری در پای مبارک ایشان فرو رفته بود و خواستند آن را بیرون آورند به نحوی که درد آن به ایشان اثر نکند، صبر کردند تا

صادق سیاحی و سعیده منصوری نیا ۱۳۵

مشغول نماز شد، آن‌گاه بیرون آوردند. حضرت سجاده (ع) با آن کثرت عبادت و نماز که ایشان را «ذو الثغفات» می‌گفتند، درباره حضرت علی (ع) فرمود: «من یقدر علی عبادة علی بن ابی طالب: چه کسی قدرت دارد مانند علی بن ابی طالب عبادت کند» (قمی، ۱۳۷۶: ۹۵-۹۶). صاحب بن عباد نیز به سبقت علی (ع) در اسلام آوردن اشاره کرده است و چنین می‌گوید:

قالت: فمن أول الأقبوام صدقه؟ فقلت: من لم یصر یوما إلى هبل^۴

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۰)

گفت: نخستین کسی که پیامبر (ص) را تصدیق کرد، چه کسی بود؟
گفتم: کسی که هیچ‌گاه بت نپرستید.

گفتنی است که توجه خاص قرآن به موضوع سبقت در اسلام به حدی است که حتی کسانی که پیش از فتح مکه ایمان آورده و جان و مال خود را در راه خدا فدا کرده بودند، بر افرادی که پس از پیروزی بر مکیان ایمان آوردند، برتری دارند (سبحانی، بی تا: ۳۲). از دیگر فضایل علی (ع)، که صاحب در قصیده لامیه به آن اشاره کرده است، این است که حضرت را پدر امام حسن و امام حسین (ع) دو نوه بزرگوار پیامبر (ص) دانسته است، پدری که در همه زمین‌ها بر همگان برتری دارد:

قالت: فمن والد السبطين إذ فرعا؟ فقلت: سابق أهل السبق فی مهل

(صاحب بن عباد، ۱۴۲۲: ۳۱)

گفت: چه کسی پدر دو نوه پیغمبر است که از شرف سر به آسمان سودند؟
گفتم: کسی که در میدان فضیلت گوی سبقت را از همگان ربود.

همچنین شاعر در این قصیده شرف نسبی حضرت علی (ع) را دلیلی برای این قرار می‌دهد که حضرت در روز قیامت ساقی کوثر است:

قالت: فمن صاحب الحوض الشریف غدا؟ فقلت: من بیته فی أشرف الحلیل

(همان: ۳۳)

گفت: به روز رستاخیز، شرافت حوض کوثر از کیست؟
گفتم: کسی که خاندانش شریف‌ترین خاندان‌هاست.

شاعر نیز به مقام و منزلت والای حضرت اشاره می‌کند و برای روشن ساختن این فضیلت حضرت از صنعت تشبیه استفاده کرده است. علی (ع) را به کوه و سایر مردم را به تپه تشبیه کرده است و بدیهی است که هیچ‌گاه تپه بر کوه پیشی نمی‌گیرد:

قالت: فهل أحد في الفضل يقدمه فقلت: هل هضبة ترقى على جبل

(همان: ۳۰)

گفت: آیا کسی در فضیلت بر علی پیشی گرفته است؟
گفتم: آیا تپه می‌تواند بر کوه پیشی بگیرد؟

۹. نتیجه‌گیری

صاحب بن عباد ادیبی توانا و جامع‌الاطراف بوده است و اشعارش در مدح علی (ع) هم از لحاظ محتوا و هم از لحاظ ظاهری برتری محسوسی نسبت به سایر اشعارش دارد. قصیده لامیه یکی از برجسته‌ترین این اشعار است. مدح صاحب از علی (ع) در این قصیده مدحی قلبی و برخاسته از عمق جان اوست، اما این مطلب درباره دیگر ممدوحان او یا به طور کلی صادق نیست یا قابل مقایسه با این قسم از مدایح او نیست. این قصیده جنبه‌های فکری، عقلانی، دینی، و سیاسی و مضامینی چون مدح، حماسه، و هجا دارد.

از آن‌جا که صاحب شاعری عاشق و دل‌باخته علی (ع) است، عشق به حضرت و اهل بیت ایشان منشأ کلام، اندیشه، و مکتب اخلاقی وی است. مضمون و مفاهیم این اشعار را از آیات قرآن و احادیث و سخنان پیامبر (ص) استخراج کرده است و آن‌ها را با زیبایی تمام به تصویر کشیده است. در واقع شعر صاحب اقتباسی بسیار روشن و واضح از آیات و احادیث است و تصویری بسیار زیبا از شخصیت حضرت ترسیم می‌کند. بدیهی است شعری که منشأش قرآن و حدیث باشد، بسیار باارزش و گرانبه‌است و بهتر از هر شعر دیگری می‌تواند بیان‌گر فضایل حضرت باشد. شاعر هم از فضایل علی (ع) و هم از سابقه و حضور درخشان حضرت در جنگ‌های صدر اسلام سخن گفته است. همچنین این قصیده الفاظ ساده و روانی دارد.

یکی دیگر از ویژگی‌های این قصیده کاربرد استدلال و احتجاج و شیوه پرسش و پاسخ است، که مانند دیگر سرایندگان متعهد شیعی با دلیل و برهان به حق علی (ع) و فرزندانش و سایر فضایل ایشان اشاره کرده است. کمیت بن زید اسدی نخستین کسی بود که در قصیده بایه‌اش از این شیوه استفاده کرد، با این تفاوت که استدلال‌های صاحب فلسفی و استدلال‌های کمیت سیاسی و خطاب به حاکمان ستمگر آن دوران است. درنهایت صاحب به دلیل آگاهی از زندگی حضرت و فضیلت‌های بی‌شمار ایشان توانسته است بسیار زیبا و به دور از هر مبالغه و افراطی به فضایل و مناقب والای وی اشاره کند.

پی‌نوشت

۱. حرف آخر قافیه در قصاید عربی.
۲. احمد سهیلی خوانساری کتاب‌شناس، خطاط، و شاعر بود. وی در تهران به دنیا آمد. سهیلی از اوان جوانی به شاعری پرداخت و در انجمن‌های ادبی عضو شد. در خط نسخ و ثلث از شاگردان امیرالکتاب بوده است. او ۴۰ سال رئیس کتاب‌خانه ملک در تهران بود. سهیلی تألیفاتی از جمله *حصار نای* (در شرح حال مسعود سعد سلمان)، *کمال هنر، آداب الحرب و الشجاعة*، و دیوانی در شش هزار بیت دارد (www.rasekhoon.net.com).
۳. فردوسی شاعر حماسه‌سرای ایران نیز مفاد این حدیث پیامبر (ص) را با زیبایی تمام همانند این بیت لایمیه به تصویر کشیده است:

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی خداوند امر و خداوند نهی
که من شهر علمم علیم در است درست این سخن گفت پیغمبر است

(مظلومی، ۱۳۶۱: ۱۳۶)

۴. کعب بن زهیر که از شعرای مخضرم (یعنی در دو دوره جاهلی و اسلامی زندگی کرده است) و صاحب قصیده معروف «بانت سعاد» در مدح پیامبر اکرم (ص) است، در بیتی همانند این بیت صاحب به پیش قدم‌بودن حضرت علی (ع) در اسلام آوردن اشاره کرده است:

صَلَّى الصَّلَاةَ مَعَ الْأُمَمِيِّ أَوْلَاهُمْ قَبْلَ الْعِبَادِ وَ رَبِّ النَّاسِ مَكْفُورِ

(حکیمی، ۱۳۵۶: ۲۷۶)

- او نخستین کسی بود که با پیامبر (ص) نماز خواند. پیش از دیگران در روزگاری که هنوز مردمان خدای را نمی‌پرستیدند.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۴ ش). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، قم: شهاب.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۱ ش). *مناقب آل ابی‌طالب*، قم: توحید.
- امین، محسن (بی‌تا). *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۶۲ ش). *الغدیر*، ترجمه جمال موسوی، تهران: بنیاد بعثت.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۷۱ ش). *الغدیر*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- بهمنیار، احمد (۱۳۴۴ ش). *شرح حال و آثار صاحب بن عباد*، تهران: دانشگاه تهران.
- ثعالبی، ابومنصور (بی‌تا). *بتیمة الدهر*، بیروت: بی‌نا.

۱۳۸ فضایل حضرت علی (ع) در قصیده لامیة ابن عباد

- حسینی تهرانی، هاشم (۱۳۷۸ ش). بوستان معرفت، قم: منیر.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۵۶ ش). ادبیات و تعهد در اسلام، بی جا: چاپ مشعل آزادی.
- ربیعی، منصور (۱۳۶۰ ش). علی نسخه معیار توحید، تهران: پوپک.
- رحیمیان، حمید (۱۳۷۶ ش). اشعاری در مدح مولا علی (ع)، تهران: لیوسا.
- رسولی، هاشم (۱۳۷۴ ش). زندگانی امیرالمؤمنین علی (ع)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲ ش). تاریخ مردم ایران، تهران: امیرکبیر.
- زیدان، جرجی (بی تا). تاریخ آداب العربیة، بی جا: بی نا.
- سیحانی، جعفر (۱۳۶۸ ش). فروغ ابدیت، قم: انتشارات تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سیحانی، جعفر (بی تا). پژوهشی عمیق پیرامون زندگی علی (ع)، قم: جهان آرا.
- شری، محمدجواد (۱۳۶۶ ش). امیرالمؤمنین (ع) اسوه وحدت، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۲۲ ق). دیوان الصاحب بن عباد، شرحه وضبطه وقدم له ابراهیم شمس الدین، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- صدر، حسن (۱۹۹۶ م). مرد نامتناهی علی بن ابی طالب (ع)، تهران: امیرکبیر.
- عزیزی، عباس (۱۳۷۹ ش). علی (ع) از زبان استاد شهید مطهری، قم: سلسله.
- عقاد، محمود عباس (بی تا). شخصیت حضرت علی (ع)، ترجمه سیدجعفر غضبان، بی جا: ساحل.
- عویضه، محمد کامل (۱۹۹۴ م). الصاحب بن عباد الوزير الادیب، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- فائدان، اصغر، (۱۳۸۰ ش). تحلیلی بر مواضع سیاسی علی بن ابی طالب (ع)، تهران: امیرکبیر.
- قمی، عباس (۱۳۷۱ ش). کلیات مفاتیح الجنان، قم: کتاب فروشی محمدحسن علمی.
- قمی، عباس (۱۳۷۶ ش). فصول العلیة یا فضایل حضرت علی (ع)، بی جا: نشر طلا.
- کتانی، سلیمان (۱۳۴۹ ش). امام علی (ع) مشعلی و دژی، ترجمه جلال الدین فاسی، تهران: برهان.
- مختاری، قاسم (۱۳۸۴ ش). میراث ماندگار ادب شیعی، اراک: انتشارات دانشگاه اراک.
- مطهری، مرتضی (بی تا). جاذبه و دافعه علی (ع)، تهران: صدرا.
- مظلومی، رجبعلی (۱۳۶۱ ش). علی (ع) معیار کامل، تهران: آفاق.
- مهریزی، مهدی (۱۳۸۶ ش). امام علی (ع) از نگاه دانشوران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نهیج البلاغه (۱۳۸۶ ش). گردآوری شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، قم: الهادی.
- یاقوت حموی (بی تا). معجم الادباء، بیروت: دارالمشرق.